

تحولات سیاست‌گذاری جمعیت در ایران بعد از انقلاب

رضا حاجی باباعلی^۱ و نادر هوشمندیار^۲ و عاطفه عباسی کلیمانی^۳ و ابوالقاسم طاهری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۹

چکیده: سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران با دیدگاه‌های متفاوت نخبگان سیاسی در مشخص نمودن یک سیاست‌گذاری جمعیتی واحد روبه‌رو نبوده است. در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران، با وجود برخی سیاست‌های جمعیتی، در برنامه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بی‌تعادلی مشاهده می‌شود. بنابراین شاهد ناکارآمدی و بی‌برنامگی در سیاست‌های اتخاذی حوزه جمعیت کشور هستیم. پرسش این است که با توجه به دیدگاه‌های متغیر نخبگان سیاسی در تعیین‌نهایی سیاست‌گذاری‌های جمعیت، سیاست جمعیتی مناسب برای جامعه ایران کدام است؟ مقاله با تکیه بر دو مدل مفهومی نخبگان و نظام سیاسی ابتدا به بررسی مبانی نظری سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران پرداخته و سپس راهکارهای پیشنهادی برای رسیدن به سیاست جمعیتی مناسب را ارائه می‌دهد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و یافته‌ها نشان داد، تدوین سیاست‌گذاری جمعیتی متناسب با واقعیت‌های حاکم بر کشور و جهان، از الزامات اساسی در نگاه به آینده جمعیت کشور است.

واژگان اصلی: ایران، دولت، سیاست‌گذاری جمعیت، نخبگان، نظام سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Nader.houshmandyar@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد پردیس خواهران، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

۴. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

هدف مقاله بررسی مبانی نظری و سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، با تکیه بر دو مدل مفهومی نخبگان و نظام سیاسی است. تلاش برای آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌های این حوزه و ارائه پیشنهاد، از دیگر اهداف پژوهش است. تأثیر مهم میزان جمعیت هر کشوری بر روند و سرعت رشد و توسعه را نمی‌توان نادیده گرفت. هیچ کشور توسعه‌یافته‌ای را نمی‌توان یافت که نسبت به سیاست‌های جمعیتی در کشورش بی‌تفاوت باشد. با گذشت زمان، دولت‌های بسیاری به این نتیجه رسیدند که اهمیت کیفیت یک جمعیت بسیار مهمتر از کمیت آن است. هر چه تعداد نفرت در یک جامعه بالا می‌رود، دولت مسئول است تا نیازهای جمعیت روبه رشد در حوزه‌های مختلف را در بالاترین سطح کیفی تأمین نماید.

جمهوری اسلامی ایران همواره دغدغه دستیابی به توسعه پایدار داشته و برای رسیدن به این خواسته، برنامه‌های چند ساله مدونی را گردآوری و اجرا کرده است. ایران در این برنامه‌ها کوشیده تا روند تغییرات ایجاد شده در جمعیت ساکنش را به واسطه اجرای سیاست‌گذاری‌های عمومی و جمعیتی برپایه افزایش و یا کاهش میزان زادوولد و کنترل نرخ مرگ‌ومیر پیش ببرد. پس از انقلاب اسلامی، موانع بسیاری در بُعد داخلی و خارجی دستیابی به این هدف را دشوار ساخته و هنوز برنامه مدون و جامعی در این زمینه اجرایی نشده است. برخی رخدادهای ناگوار کشور مانند درهم ریختگی بخش‌های مختلف نظام سیاسی به دلیل انقلاب و تغییر خط‌مشی و سیاست‌های جمعیتی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و از همه مهمتر تلاش قدرت‌های خارجی برای دخالت در کشور و برهم زدن ثبات و شرایط عادی زندگی مردم در ناموفق بودن سیاست‌های دولت‌های روی کارآمده تأثیرگذار بوده است.

شرایط و بسترهای داخلی دیگری همچون همسو نبودن آرا و نظرات نخبگان سیاسی در رأس قدرت برای تعیین تکلیف سیاست‌های جمعیتی، ناکارآمدی و ضعف اجرایی برخی قوانین و طرح‌ها، نامسجم بودن برنامه‌ریزی‌ها و ناهماهنگی مسئولین در اجرای سیاست‌های کلی نظام، بر شدت ضعف و نواقص راهبردها و برنامه‌های این حوزه افزوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که هنوز هم راه‌ها و فرصت‌های بسیاری برای جبران اشتباهات گذشته وجود دارد. تعیین مبانی نظری ثابت و مفاهیم درست این حوزه به همراه نگرش فرآیندی و بلندمدت‌محور به جای سیاست‌های دوره‌ای و کوتاه‌مدت از جمله راهکارهایی است که به باور نویسنده می‌تواند به اصلاح ایرادات این حوزه کمک نماید.

بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های که درباره سیاست‌های جمعیتی در جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، هنوز هم کمبود پژوهش در این حوزه و آسیب‌شناسی سیاست‌ها دیده می‌شود. یعقوب فروتن (۱۳۹۵)، در کتاب «جمعیت‌شناسی سیاسی و نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین‌المللی»، به تأثیر متقابل سیاست و جمعیت اشاره کرده و عنوان می‌کند که چالش‌های روش‌شناختی در این حوزه برای به کارگیری سیاست‌های کارآمد جمعیتی وجود دارد. محسن فصاحت (۱۳۹۲)، در کتاب «تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها و راهبردها» به بررسی چالش‌ها، ابعاد حقوقی و اجتماعی کنترل جمعیت و ضرورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در کاهش و یا افزایش جمعیت در ایران پرداخته و پیشنهادهایی در زمینه اعمال سیاست‌های تشویقی، افزایش آگاهی و مهارت و الگوسازی در زمینه کاهش یا افزایش جمعیت را مطرح کرده است. فتح‌الله کلانتری و کاظم سام‌دلیری (۱۳۹۸)، در کتاب «جمعیت و قدرت ملی در سال ۱۳۹۸»، اشاره می‌کنند که در ایران میزان باروری به زیر سطح جانشینی رسیده است. فرآیند گذار جمعیتی حاکی از پیدایش بحران باروری یا تحدید نسل است و گرایش ساختار جمعیت از جوانی به سالخوردگی و افزایش جمعیت سالخوردگان از تبعات آن است. علی‌اصغر کلاهی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای انگلیسی با عنوان «سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران؛ مرحله خردورزی»، از نیروی انسانی به عنوان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری توسعه پایدار یاد کرده و این موضوع را که سیاست جمعیتی ایران در طول ۴۰ سال گذشته چندین بار تغییر یافته را نقد و از لزوم به کارگیری یک سیاست چند نسلی سخن می‌گوید. سامان زنده‌پیل (۱۳۹۷)، در پژوهش «خاستگاه‌های نظری سیاست کنترل جمعیت در جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن بر دورنمای قدرت ملی»، تأثیر سیاست کنترل جمعیت را بر تضعیف و یا تقویت دورنمای قدرت ملی بررسی می‌کند. محمدجلال عباسی شوازی (۱۳۹۶)، در کتاب «تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران» کوشیده عمده تحولات جمعیتی صورت گرفته در بستر شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور را بررسی و با بهره‌گیری از روند و الگوهای مرگ‌ومیر و سلامتی، تغییر ساختار سنی کشور به ویژه موضوع سن جوانی، پنجره جمعیتی و موضوع سالخوردگی را تحلیل نماید.

روش شناسی

تناسب جمعیت برای هر کشوری اهمیت دارد. کاهش و یا افزایش جمعیت کشور، بدون برنامه‌ریزی می‌تواند اثرات نامطلوبی بر اداره آن کشور در راستای رسیدن به توسعه برجای گذارد. در حوزه اشتغال، مواردی چون کمبود نیروی کار و تضعیف اقتصاد ملی و یا افزایش تقاضای شغلی و کمبود فضای شغلی برخی از این مشکلات هستند. در حوزه نظامی و امنیتی نیز کاهش قوای دفاعی کشور به دلیل کمبود نیروی جوان و آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات خارجی مورد توجه است. در حوزه رفاهی و خدمات نیز افزایش بی‌رویه جمعیت و عدم تناسب با امکانات داخلی، تأمین نیازهای ضروری را با بحرانی اساسی همراه می‌سازد. از منظر سیاسی نیز مدیریت لجام گسیخته کشور را در پی خواهد داشت. همه این موارد اهمیت انجام پژوهشی اساسی در راستای مشخص نمودن مبانی نظری مورد استناد در این حوزه و ریشه‌یابی مشکلات موجود را چندین برابر می‌کند. این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده و اطلاعات آن کتابخانه‌ای است.

چارچوب نظری پژوهش

از بین مفاهیم و نظریات ارائه شده برای بررسی موضوعات حوزه سیاست‌گذاری عمومی، در این پژوهش، دو مدل مفهومی نخبگان و نظام سیاسی از بین ۹ مدل طراحی شده به پژوهشگر برای واکاوی موضوع کمک کردند. استفاده از این دو مدل به صورت ترکیبی بوده و از آنها برای بررسی سیاست کنترل و تعیین جمعیت به همراه تعیین نواقص سیاست‌های جمعیتی استفاده می‌شود. مدل نخبه‌گرایی فرآیند سیاست‌گذاری را برپایه نوع مواضع مقامات سیاسی و دارندگان قدرت می‌داند و معتقد است قدرت اجرای سیاست‌گذاری تنها در دست گروه‌ها و افراد اندکی متمرکز است. تصمیم‌گیری متناسب با این مدل فرآیندی به سود نخبگان در رأس قدرت کار می‌کند (واین پارسونز، ۱۳۹۴: ۲۲). جدول شماره ۱، آرا و عقاید برخی از اندیشمندان سیاسی را درباره اهمیت کارکرد نخبگان یک جامعه و نقشی که می‌توانند در تعیین سیاست‌های نهایی داشته باشند، آورده است.

جدول شماره ۱: آرای برخی اندیشمندان سیاسی درباره اهمیت نخبگان جامعه

و نقش آن‌ها در تعیین سیاست‌های جمعیتی

نام اندیشمند	دیدگاه درباره نخبگان جامعه
لاسول	مطالعه سیاست در واقع مطالعه تأثیرات و مؤثرات است. مؤثرها آن‌هایی هستند که بیشترین مقدار از آنچه را باید به دست آورد، به دست می‌آورند. آن‌هایی که بیشترین را به دست می‌آورند، نخبگان و دیگران توده هستند.
هانتینگتون	سطح رشد سیاسی یک جامعه بستگی به این دارد که فعالان سیاسی تا چه اندازه به نهادهای سیاسی گوناگون جامعه تعلق دارند.
پارتو	مردان سیاسی عالم و بسیار توانا به دلیل استعداد و هوش خویش بیشتر جزء برگزیدگان عالم سیاست هستند، اما تنها بخشی از آن‌ها که واجد استعدادها و ویژه سیاست بودند، در امر حکومت نقش بازی کرده‌اند.
زونیس	نخبگان سیاسی ایران شامل کسانی است که قدرت کم‌ویش پایداری بر رفتار سایر مردم دارند و می‌توانند درباره تخصیص ارزش‌های سیاسی و ملی مؤثر باشند. مقصود وی از «قدرت سیاسی» را یک رابطه درون فردی آن چنان که رفتار یک سیاستمدار (یا بیشتر)، رفتار یک سیاستمدار دیگر (یا بیشتر) را تغییر دهد، عنوان می‌کند. منظور از رفتار، هر نوع تغییر در وضعیت و پایگاه فرد است که رفتار او حوزه وسیعی از یک حیطه گسترده را تغییر دهد. به این مفهوم که دامنه وسیع رفتار مجموعه وسیع‌تر افراد را درون یک جامعه عوض کند (زونیس، ۱۳۸۷: ۱۰).

در این مدل پژوهشی، سیاست‌گذاری عمومی همان‌گونه‌ای تعریف می‌شود که ترجیح نخبگان بوده و آن‌ها هستند که قدرت و توانایی تخصیص ارزش را دارند و این ارزش‌ها توسط مقامات دولتی اجرا و تلاش می‌شود، مردم هم به توافقات و تمایلات نخبگان متمایل شوند. مطابق این مدل پژوهشی همه آن‌ها حتی اگر به قدرت خود اقرار نکنند، به لحاظ تجربه فنی و سیاسی ناشی از قرار داشتن در رأس قدرت، بسیار بیشتر از آنچه که طبقات پایین جامعه از آن برخوردار هستند، بالاتر و برتر به حساب می‌آیند. گروه نخبگان قدرتمند مسایل و مشکلات جامعه را خودشان تشخیص و طرح می‌کنند و در یافتن راه‌کارها و وضع خط‌مشی نیز نظر نهایی را ابراز می‌دارند. اساسی‌ترین نقش نخبگان سیاسی در پویای نهادینگی سیاسی و بسط حوزه سیاست، مشروعیت بخشیدن به ارزش‌ها و نهادهای جدیدی است که اصول و مبانی همکاری و همزیستی عمومی را تبیین می‌کند و به پویای سیاسی، خصالتی ملی - اخلاقی می‌بخشد (ازغندی، ۱۳۷۷: ۳۰).

در تعریف سیستم یا نظام می‌توان گفت، مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته است که برای

کسب هدفی مشترک فعالیت می‌کند. سیستم‌های بزرگ از تعدادی خرده سیستم یا اجزای کوچکتر تشکیل می‌شوند. از همین نظر هر سازمانی به منزله یک سیستم باز در نظر گرفته می‌شود که از تعدادی خرده سیستم تشکیل شده و با محیط خود در تعامل است (Charles, 1978: 16). بر مبنای این مدل بایستی سازمان را به منزله یک کل نظام‌یافته در نظر گرفت و از تحلیل داده‌های سیستمی برای حل مسایل و اتخاذ تصمیمات سیاسی کشور استفاده کرد. در رهیافت سیستمی با در نظر گرفتن چارچوبی برای تجسم عوامل و متغیرهای داخلی و خارجی سازمان در قالب یک مجموعه واحد، به شناخت خرده سیستم‌ها و سیستم اصلی و ابرپیچیده محیط بر سازمان کمک کرد (حقدار، ۱۳۸۰: ۱۲۰). بر مبنای این مدل مفهومی نظام می‌تواند به فشارهای محیطی پاسخ داده و خود را از این طریق در برابر تمام آسیب‌هایی که وجود دارد، حفظ نماید. این مدل سیاست‌گذاری عمومی را به عنوان خروجی سیستم در نظر می‌گیرد و آن را برای افراد، گروه‌ها، ملت‌ها بسته به دامنه مشکلی که دارند به کار می‌برد (دای و ماکویی، ۱۳۸۷: ۷۱). در نهایت می‌توان مواردی همچون به هم پیوستگی و وابستگی اجزا به گونه‌ای که عناصر ناپیوسته و مستقل هرگز نمی‌توانند یک سیستم را تشکیل دهند، کل‌گرایی به گونه‌ای که کل را نتوان به اجزا تبدیل کرد، هدف‌جویی در کلیت سیستم، برخورداری از ورودی و خروجی‌ها، مقابله با هرگونه بی‌نظمی و از هم گسیختگی را می‌توان مهم‌ترین ویژگی نظریه نظام عنوان کرد (مرعشی، ۱۳۸۵: ۴).

نگاهی به تحولات گذشته و اخیر سیاست‌های جمعیتی در ایران

نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد. پس از انقلاب متناسب با روی کارآمدن نخبگان سیاسی، سیاست‌های پیشنهادی در حوزه جمعیت نیز تغییر کردند. به همین خاطر در برهه‌های زمانی مختلف این چهار دهه، ما شاهد سیاست‌گذاری‌های جمعیتی متفاوتی در کشور بوده‌ایم. پدیده‌هایی همچون انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی ایران و عراق، تحریم‌های بین‌المللی سنگین علیه ایران بر کم و کیف این سیاست‌گذاری‌ها اثرات گسترده‌ای بر جای گذاشته و هر یک به عنوان نقطه عطف مهمی در میزان اثرگذاری این تحولات و سیاست‌گذاری‌ها بر آمار حیاتی، مهاجرت، باروری، مرگ‌ومیر، تنظیم موالید، فعالیت و اشتغال و مواردی نظیر اینها محسوب می‌شوند.

دوره اول: انفجار جمعیت

پس از انقلاب و با شروع جنگ تحمیلی، برنامه‌های تنظیم خانواده از ابتدای دهه ۶۰ تعطیل شد. در این زمان، به دلیل مواردی چون کاهش مرگ‌ومیر، توسعه خدمات بهداشت عمومی، مهاجرت اتباع کشورهای همسایه به ایران و بالارفتن برخی از امتیازات اجتماعی و رفاهی خانوارها، رشد جمعیت سیر صعودی گسترده‌ای را آغاز کرد. در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، جمعیت کشور رشد ۳/۹ درصدی را تجربه و وارد مرحله‌ای شد که از آن به عنوان مرحله «انفجار جمعیت» نام بردند (سیمعی‌نسب و ترابی، ۱۳۸۹: ۳۴). رهبر انقلاب از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأکید بسیاری بر فرزندآوری و افزایش جمعیت داشتند و فرمودند: «وسعت ایران آن‌قدر است که برای ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون جمعیت کافی باشد. یعنی اگر ۲۰۰ میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به رفاه زندگی می‌کنند» (متنظر قائم، ۱۳۸۱: ۵۲).

اولویت اول در بحث سیاست جمعیتی دهه شصت افزایش فرزندآوری بود. شتاب‌زدگی مردم از توصیه به فرامین رهبر انقلاب در این دوران و غفلت دولت از مسیر آینده این سیاست انتخابی و جو خاص آن دوران، سیل جمعیتی گسترده را بیش از هر زمانی نگران کننده کرد. سیاستمداران و برنامه‌ریزان بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵ دریافتند، اگر آهنگ رشد چهار درصدی سالانه جمعیت کند نشود، تا سال ۱۳۸۵ جمعیت کشور به ۱۰۰ و در سال ۱۴۰۵ به ۲۰۰ میلیون نفر خواهد رسید (میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۷). مهمترین دلیل شکل‌گیری پدیده انفجار جمعیت در این دوران، افزایش میزان باروری زنان در راستای سیاست تشویقی نظام برای فرزندآوری بود. رشد جمعیت کشور در این سال‌ها بسیار فشرده و سریع بود، به گونه‌ای که در سرشماری‌های انجام گرفته در سال ۱۳۵۵ آمار جمعیت ایران ۳۳ میلیون نفر برآورد شد. میزان باروری کل به ۶/۵ رسید و رشد سالانه جمعیت ۲/۷ درصدی دهه پیش به ۳/۹۷ رسید. در نتیجه پیاده‌سازی سیاست‌های جمعیتی این دهه، جمعیت را در اواخر دهه ۶۰ به بالای ۴۹ میلیون نفر رساند. عامل اصلی در روند افزایش جمعیت نادیده گرفتن سیاست‌های کنترل جمعیت و تأکید بر سیاست‌های فرزندآوری بود.

دوره دوم: فرزند کمتر، زندگی بهتر

متولیان سیاست و قانون کنترل جمعیت در دهه هفتاد در وزارت بهداشت از تمام دستگاه‌ها خواستند با تغییر سیاست‌های دهه گذشته، شیوه‌های کنترل جمعیت را در پیش گیرند و از آن به

بعد فضای عمومی کشور و نظام بهداشتی به سمت تحقق شعار «فرزند کمتر = زندگی بهتر» گرایش پیدا کرد. مقایسه شاخص‌های باروری در دوره‌های مختلف از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نیز نشان از یک تحول اساسی در زمینه کاهش سطح باروری و تعدیل نرخ رشد سالیانه جمعیت در دهه ۷۰ داشت. در بحث ازدواج نیز شاهد افزایش سن ازدواج در میان زنان از ۱۹ به ۲۲ سال بودیم. این افزایش، در مناطق شهری و روستایی دیده می‌شد. از جمله مسایلی که زمینه پایین آمدن آمارهای ازدواج زنان را فراهم آورد، موضوع افزایش میزان تحصیلات این قشر بود. افزایش تحصیلات، به ویژه تحصیلات دانشگاهی در دهه‌های پس از انقلاب رشد چشمگیری پیدا کرد و از سال ۱۳۷۷ درصد بیشتری از زنان در مقایسه با مردان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پذیرفته شدند. این پیشی گرفتن دو نتیجه در برداشت: (۱) افزایش سن ازدواج به علت طولانی شدن دوره تحصیلی و (۲) بالارفتن توقع از شغل مدنظر. نتیجه این وضعیت، کاهش زادوولد برای زنان در جامعه ایران به ویژه در همین دوره بود (علی‌ئی، ۱۳۹۴: ۲۲).

تغییر مهم دیگری که در راستای سیاست‌گذاری‌های جمعیتی رخ داد، تصویب «قانون تنظیم خانواده» توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲، بود. در قانون تنظیم خانواده سیاست‌های تشویقی و تنبیهی برای کنترل جمعیت پیش‌بینی شد. از جمله عدم پرداخت حق عائله‌مندی به فرزندان چهارم به بعد بود تا از این طریق کمی گسترش سریع جمعیت کشور به درازا بکشد. اقدامات دیگری همچون راه‌اندازی خانه‌های بهداشت و سلامت، آموزش کنترل بارداری زنان، تسهیلات بهداشتی - روستایی ارزان به همراه اجرای طرح وازکتومی رایگان به کنترل جمعیت در این دهه کمک‌های بسیاری کرد. رشد کند جمعیت به خوبی در سرشماری سال ۱۳۷۵ مشخص بود و دولت از برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی بسیاری در این راه استفاده کرد. هدف از شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» ایجاد یک سیاست برای کنترل جمعیت بیان شد اما در سال‌های بعد، این شعار در خانواده‌های ایرانی نهادینه شد و تک فرزندی محبوبیت پیدا کرد. بعد خانوار در سال‌های ۱۳۷۵ به بعد، به ترتیب ۴ نفر محاسبه شده بود (میرزایی، ۱۳۸۴: ۴۳).

دوره سوم: مخالفت با شعار فرزند کمتر

سال‌های اولیه این دهه، با اجرای برنامه سوم توسعه در ایران همزمان شد. در این سال‌ها ضمن تأکید دولت بر خانواده کوچک، آموزش جمعیت و تنظیم خانواده و برنامه‌های دسترسی به روش‌ها و وسایل پیشگیری در این دهه نیز ادامه پیدا کرد. سال پایانی برنامه توسعه همزمان با سال

۱۳۸۳ بود. جمعیت پیش‌بینی شده در این برنامه ۶۸ میلیون و ۱۶۶ هزار نفر بود. با این وجود عملکرد جمعیت بر اساس جمعیت اصلاح‌شده ۶۹ میلیون و ۱۷۶ هزار نفر بود و بر اساس سرشماری‌ها ۶۸ میلیون و ۲۷۲ هزار نفر بود. در سال ۱۳۸۵، نرخ رشد جمعیت به مرور کاهش پیدا کرد. محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت ایران، از نخستین سال‌های ریاست جمهوری‌اش به انتقاد از سیاست‌های کنترل جمعیت پرداخت و در پاییز ۱۳۸۵، در جلسه مشترک هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی، مخالفت خود را با شعار «فرزند کمتر» اعلام و بیان داشت ایران ظرفیت ۱۲۳ میلیون نفر جمعیت دارد: «اینکه می‌گویند دو بچه کافی است، من با این امر مخالف هستم. کشور ما دارای ظرفیت‌های فراوانی است. ظرفیت دارد که فرزندان زیادی در آن رشد پیدا کنند، حتی ظرفیت حضور ۱۲۰ میلیون نفر را نیز داراست» (روزنامه اعتماد، اول آبان ۱۳۸۵).

اگرچه تا پیش از دهه ۱۳۸۰، شاخص‌های جمعیتی برپایه کاهش میزان زادوولد بود اما از ابتدای این دهه شاخص‌های این حوزه بهبود یافته و توسعه پیدا کردند. با وجود مخالفت دولت با سیاست کاهش فرزندآوری، جمعیت ایران در آستانه سرشماری سال ۱۳۸۵، وارد درجه جمعیتی و پیش‌بینی شد این درجه تا حدود ۴ دهه بازمماند. منظور از درجه جمعیتی دوره‌ای است که در آن نسبت وابستگی سنی در مقیاسی که در تاریخ بی‌سابقه است، کوچک می‌شود. پیش‌بینی شد که پس از بسته شدن درجه جمعیتی، جمعیت ایران به سوی پیری مفرط و بی‌سابقه در تاریخ جمعیتی کشور پیش خواهد رفت (سرای، ۱۳۸۸: ۳). در این دهه، نسبت جوانی جمعیت کشور از ۴۰ درصد در دهه پیشین به ۲۶ درصد رسید. آمارهای طلاق افزایش پیدا کرد، این روند موجب کاهش میزان نرخ باروری شده و بر میزان جمعیت افراد سالخورده در کشور نیز افزود.

دوره چهارم: افزایش جمعیت اولویت اول سیاست‌های کلی نظام

با شروع دهه ۹۰ برخی کارشناسان پیش‌بینی کردند، کمتر از سه دهه، جمهوری اسلامی ایران به کشوری سالخورده تبدیل خواهد شد. این موضوع، افزایش فشارها و نوعی فروپاشی از درون را در پی خواهد داشت. رشد شهرنشینی از ابتدای این دهه، همانند دهه‌های پیشین بالا بوده اما در این دهه به اوج خود و به ۷۱/۴ درصد رسید. تغییر در تنوع قومی به عنوان یکی دیگر از عناصر کلیدی تغییرات در الگوهای باروری در ایران است که در دهه اخیر و به‌ویژه از سال ۱۳۹۳ بیش از پیش افزایش پیدا کرد. هم‌اکنون نرخ باروری در ایران از حدود ۴/۶ فرزند در اوایل دهه ۶۰ شمسی به کمتر از ۱/۸ فرزند در سال‌های اخیر رسیده است که کمتر از حد جان‌شنینی نسل است. مقام معظم رهبری

در تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱ در سفر به خراسان شمالی، ضمن گلایه از سیاست‌های جمعیتی مسئولان گذشته و با تواضع و فروتنی اظهار داشتند که همه از جمله رهبری باید در پیشگاه خداوند به واسطه این موضوع طلب عفو کنند. با این حال هنوز هم اتفاق نظری درباره سیاست‌های کاهش و یا افزایش جمعیت در کشور وجود نداشت (حقدوست و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۸).

افزایش و به تأخیر انداختن ازدواج، یکی از عوامل مؤثر در کاهش باروری این سال‌هاست. تغییرات در سن ازدواج با سایر تغییرات اقتصادی اجتماعی از جمله افزایش سطح تحصیلات زنان همراه شده است. میانگین سنی ازدواج در دهه ۱۳۹۰، به تفکیک جنس، در زنان، $\frac{23}{4}$ و در مردان $\frac{26}{7}$ بوده است. میانگین تفاوت سنی زوجین، در این دهه $\frac{2}{2}$ سال بود. در سال ۱۳۹۰ بیشترین حجم جمعیتی متعلق به جوانان از ۱۵ تا ۴۵ سال بود. این رده در سنین کار قرار دارند (کلاهی، ۱۳۹۸: ۱۱۸). پس از انجام سرشماری سال ۱۳۹۰ و محاسبه میزان جمعیت، رشد ایران مثبت ارزیابی شد و کارشناسان اعلام کردند در کوتاه مدت مشکلی پیش نخواهد آمد، اما از نظر میزان جانمایی و تجدید نسل، ایران در افق ۴ یا ۵ دهه آینده با مشکل تجدید نسل نرخ زیر سطح جانمایی و پیری جمعیت و میزان بالای وابستگی سنی مواجه خواهد شد (علی‌ی، ۱۳۹۴: ۱۹).

در سال ۱۳۹۸، رهبر انقلاب با اشاره به مسئله جمعیت در کشورهای مختلف و ایران عنوان کرد: «افزایش فرزند باید به صورت یک فرهنگ دریابید. در آمریکا، خانواده‌ای ۱۵ بچه دارند، بیست بچه دارند و از این قبیل، تشویق هم می‌شوند و هیچ‌کس مذمتشان نمی‌کند. اما نوبت به کشور ما که می‌رسد، این طرف قضیه تشویق می‌شود، کم‌فرزندی و مانند اینها». در همین سال شورای عالی انقلاب فرهنگی به تدوین سیاست‌های جمعیت در کشور اقدام کرد و آن را در ۵ ماده به تصویب رساند. راهبرد کلان این برنامه جلوگیری از کاهش نرخ باروری کل و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی، اقتضائات راهبردی کشور، مطالعات جمعیت‌شناختی، آمایش و پایش مستمر جمعیتی بود. میزان رشد کلی جمعیت از ابتدای دهه ۹۰ تا اواسط آن $\frac{1}{0.9}$ صدم عنوان شد که این رقم از سال ۱۳۹۵ تاکنون باز هم کاهش پیدا کرده و به کمتر از دو درصد رسیده است. میانگین سنی جمعیت که شامل دو مؤلفه کاهش مداوم باروری و افزایش امید به زندگی می‌شود، از ابتدای این دهه به نسبت سال‌های پیش از آن افزایش پیدا کرده است. این شاخص هم‌اکنون به حدود ۳۱ سال رسیده و گفته می‌شود در سال ۱۴۳۰ به بیش از ۴۰ سال افزایش پیدا کند و جمهوری اسلامی از سال ۱۴۱۵ با رشد منفی جمعیتی روبه‌روست (سرای، ۱۳۹۵: ۱۲).

افزایش سالخوردگی جمعیت در آینده و تأثیر آن بر ایجاد نوعی فروپاشی از درون به دلیل افزایش فشارهای داخلی و خارجی موجب شده تا اصلاح سیاست‌های جمعیتی بر مبنای کاهش نرخ جمعیت با سرعت بیشتری مورد توجه قرار گیرد. آمارها نشان می‌دهد، نرخ باروری در ایران نسبت به جهان روبه کاهش است (Roudi, 2017: 20). اکنون ایران در میانه پنجره جمعیتی فرصت قرار دارد. با توجه به موقعیت و شرایط کنونی، نزدیک به چهار دهه طول خواهد کشید تا نیروی کار به صفر برسد. این زمان می‌تواند فرصت مناسبی باشد تا پیش از آنکه سن جمعیت فعال و نیروی کار در کشور بالا رود و جمعیت پیرتر شود، اقدام سازنده‌ای برای جلوگیری از تداوم پیری جمعیت به کار برد (P. McDonald, 2015: 56).

مبانی سیاست‌های جمعیتی در ایران

توسعه پایدار، نیروی انسانی کارآمد، مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی مهم‌ترین مبانی سیاست‌های جمعیتی در ایران پس از انقلاب اسلامی است. مفهوم توسعه پایدار به عنوان دیدگاهی راهبردی در نقش سیاست‌های کلی دولت در ایران بررسی می‌شود. این مفهوم در راستای دستیابی به حداکثر رفاه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در کشور است. تا زمانی که مؤلفه‌های بروز فقر در داخل و برابری در آن از مفهوم صرف فراتر رفته و عملی نشده باشد، نمی‌توان از اجرای توسعه پایدار صحبت کرد. عملیاتی‌شدن این مفاهیم بدون عدالت اجتماعی بین نسلی، چندان امکان‌پذیر نخواهد بود (سیاه‌پوش، ۱۳۹۴: ۵). بر اساس اعلامیه ریو، اصل اساسی در دستیابی به توسعه پایدار در هر کشوری، انسان محور است. هر انسانی مستحق آن است که از یک زندگی سالم و مولد در همسازي با طبیعت برخوردار شود. در دو دهه گذشته، وضع توسعه پایدار مؤثر بر سلامت ایران نشانگر این مسئله بوده که وضع این توسعه در کشور از منظر شاخص‌های کمی مرگ‌ومیر کودکان زیر یک‌سال، مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال، مرگ‌ومیر مادران و شاخص توسعه انسانی در بحث سوادآموزی، روندی روبه بهبود است.

مرگ ناشی از تصادفات، آلودگی هوا و خاک، نابودی جنگل‌ها، بیکاری و افزایش تورم روند افزایشی داشته است. این موارد زمینه‌کند پیش رفتن روند توسعه پایدار را فراهم آورده و مواردی چون ضعف در برابری جنسیتی و توانمندی زنان، بحث‌های مربوط به حوزه سیاست‌گذاری‌های جمعیت را با ضعف کلان در خط‌مشی راهکارهای اجتماعی همراه ساخته است (سلطانی‌پور و

دماری، ۱۳۹۵: ۸). در بحث‌های توسعه پایدار در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی ایران، دستیابی همگانی به تحصیلات ابتدایی، ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، بهبود سلامت مادران، مبارزه با بیماری‌ها از مهم‌ترین اهداف دولت‌های مختلف محسوب می‌شدند. در راستای دستیابی به این هدف به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مسئولیت تأمین زندگی‌های سالم و ترویج و ارتقای رفاه برای همه در همهٔ سنین محول شده است. وزارت کشور نیز مسئولیت تأمین برابری جنسیتی و توانمندکردن همهٔ زنان و دختران را عهده‌دار شده است و پایان دادن به فقر در همهٔ اشکال آن نیز به وزارت اقتصاد و دارویی به همراه وزارت کشور محول شد. در کنار این موارد تأمین تغذیهٔ سالم توسط وزارت بهداشت، آموزش کیفی فراگیر، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از دیگر اهداف برای ارتقای کیفی جمعیت کشور است (معاون امور اقتصادی و بودجه، ۱۳۹۶: ۷۵). با اینکه اهداف تعیین شده ثابت بوده و در دوره‌های مختلف، همچنان به عنوان اولویت اصلی در برنامه‌های اجرایی وزارت‌خانه‌های مربوطه محسوب می‌شود، با این حال، دولت‌های روی کارآمده در دوره‌های مختلف در پیاده‌سازی این اهداف بسیار متفاوت عمل کرده‌اند و این موضوع ناهمگونی سیاست‌های اجرایی، تا اندازه زیادی سرعت دستیابی به اهداف را کاهش داده است.

نیروی انسانی کارآمد

بر اساس دیدگاه سازمان بهره‌وری ملی ایران، بهره‌وری نیروی انسانی یکی از مؤلفه‌های کارآمد بودن در جامعه محسوب می‌شود. این مؤلفه، در جهت اهداف کلی کشور است. نیروی کارآمد، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی و تجهیزات مورد نیاز در این حوزه همگی موجب ارتقا سطح رفاه در جامعه می‌شود. افزایش جمعیت موجب شد تا دست‌اندرکاران عرصه اقتصاد و سیاست‌های جمعیتی افزایش بهره‌وری و کارآمد بودن هرچه بیشتر نیروی انسانی را به عنوان مؤلفه‌ای مهم در بالا بردن کیفیت مبانی جمعیتی در ایران در اولویت قرار دهند (طالب‌زاده، ۱۳۹۵: ۳). در جمهوری اسلامی ایران همواره به کارگیری و اجرای برنامه‌ریزی استراتژیک برای تقویت منابع انسانی و پرورش نیروی انسانی کارآمد دغدغهٔ مسئولان نظام و نخبگان سیاسی بوده است. «سرمایهٔ انسانی» به واسطهٔ دانش و مهارتی که در اشخاص هست موجب ارزش‌آفرینی اقتصادی می‌شود و به عاملی مهم در موفقیت کشورها در بلندمدت می‌شود. «مجمع جهانی اقتصاد» در

گزارش خود رتبه‌بندی «شاخص سرمایه انسانی در سال ۲۰۱۷» را تحت عنوان چهار شاخص اصلی «ظرفیت» برای بررسی سطح تحصیل نسل‌های مختلف یک کشور از جوان تا سالخورده، «به کارگیری» برای بررسی انباشت و کاربرد مهارت‌ها در افراد بزرگسال، «توسعه» در راستای آموزش رسمی نیروی کار آینده و گسترش مهارت‌های نیروی کار فعلی و «دانش فنی» برای گستردگی و عمق مهارت‌های تخصصی‌ای که در کار استفاده می‌شود. ایران از این نظر، با کسب امتیاز ۵۴/۹۷ از میان ۱۳۰ کشور در رتبه ۱۰۴ قرار گرفته است.

در ایران، سرمایه انسانی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی بوده است. با این حال توزیع آموزش نیز بایستی مدنظر قرار گیرد. چنانچه سیاست‌های آموزشی بر تقویت سطوح ابتدایی و راهنمایی متمرکز شود، رشد اقتصادی بیشتر افزایش پیدا می‌کند و موجب افزایش سطح کارآمدی و بهبودی سیاست‌های جمعیتی خواهد شد. سیاست‌های مبتنی بر کنترل جمعیت در ایران از ابتدای دوران پس از انفجار جمعیت در همین راستا اتخاذ شد. دهه هفتاد پس از شکل‌گیری این پدیده، نخبگان سیاسی و مقامات مسئول سعی کردند تا با تکیه بر سیاست کنترل جمعیت راهکارهایی را برای ارتقای کارآمدی نیروی انسانی به کارگیرند و از این طریق راه را برای رسیدن به اهداف مبتنی بر توسعه پایدار هموار سازند.

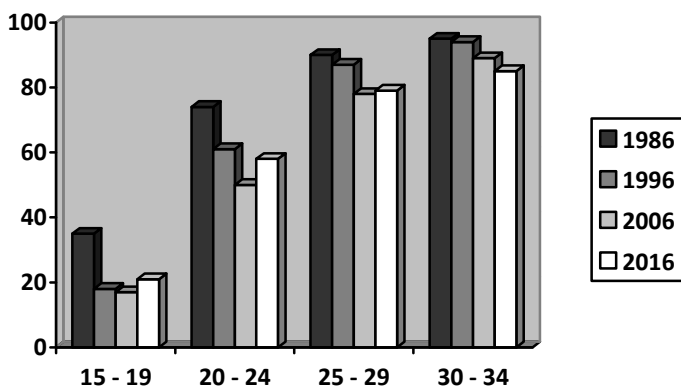
این اقدام در برهه زمانی خاصی موجب شد تا برنامه‌های کنترل جمعیت در راستای تشویق زنان به حضور بیشتر در جامعه و کسب علم و تحصیل و اشتغال پیاده و اجرا شوند. به واسطه این امر جلوگیری از بارداری و تنظیم زادوولد صورت گرفت. همگانی شدن شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» بر مبنای افزایش امکانات بیشتر در حوزه‌های مختلف برای توانمندسازی جمعیت زنان و مردان جوان در جامعه صورت گرفت، آمار تحصیلات عالی در بین زنان بالا رفت، مراکز پزشکی بهداشت باروری بیشتری شکل گرفت، پیشرفت اجتماعی خوبی حاصل شد، آمار شهرنشینی افزایش پیدا کرد و رفتار زناشویی مبتنی بر اصل برابری میان زن و مرد نیز ارتقا پیدا کرد (شیخی، ۱۳۹۴: ۱۴).

هم‌اکنون می‌توان عنوان کرد که ایران مؤلفه بی‌سوادی در بین جوانان را کاهش داده و ظرفیت خود را برای آموزش عالی افزایش داده است. تعداد کل دانشجویان ثبت نام شده در دانشگاه‌ها تقریباً بین سالهای ۲۰۰۶ (۲,۳ میلیون) و ۲۰۱۶ (۴,۳ میلیون) برآورد شده است که این میزان تقریباً نیمی از ثبت نام‌های دانشجویان در برنامه‌های آموزش عالی از زنان را تشکیل می‌دهد. پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۶، ایران تعداد بیشتری از افراد تحصیل کرده را در خود جای دهد، زیرا انتظار

می‌رود بیش از نیمی از ساکنان ۲۵-۳۴ سال دارای مدرک لیسانس یا بالاتر باشند (عبدوس، ۱۳۹۴: ۲۰۴). در دهه‌های اخیر نرخ بیکاری به میزان زیادی در کشور افزایش پیدا کرد و به ۱۰ الی ۱۵ درصد رسید. در این بازه‌های زمانی، به طور متوسط، ۱۷۴ هزار فرصت شغلی در هر سال ایجاد شده است و این رقم در سال ۲۰۱۳ به ۷۱۸ هزار فرصت شغلی رسیده است. با این وجود سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۰، ۲۰۱۴ بازارهای داخلی کشور و فرصت‌های شغلی که به دنبال آن‌ها ایجاد شد، همگی محدود شدند امری که اکنون ما شاهد گسترش آن هستیم (Azadi, 2016: H.Dehghanpou).

مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی

ایجاد بی‌ثباتی و بحران‌سازی در داخل کشور، پررنگ‌کردن گسست‌های قومی و مذهبی، حمایت از اقدامات خرابکارانه گروه‌های تجزیه طلب، ایجاد گسست میان حکومت و مردم و شکل‌دادن به نارضایتی در جامعه و ایجاد فضای تخریب نظام سیاسی از مهم‌ترین راهکارهای رقابتی خارجی و دشمنان داخلی در ایران برای کاهش تعهد و وابستگی افراد جامعه به کشور و ایجاد فضای ناامیدی برای جلوگیری از پایداری افراد به سرزمین و عدم تمایل به فرزندآوری محسوب می‌شود (عبدوس، ۱۳۹۴: ۲۰۴). در این زمینه، هرچه میزان نارضایتی‌های اجتماعی افزایش پیدا کند، بسترهای مورد نیاز برای دخالت نیروهای بیگانه بیشتر خواهد شد. از سال ۱۳۹۵ نرخ رشد جمعیت نسبت به سه دهه پیش حدود سه برابر کمتر شده است. امری که فارغ از هرگونه بعد محرمانه، تصمیم‌گیران دولتی را از درک آن عاجز کرده است و تحلیل‌گران خارجی را وادار به واکنش کرده است. به عنوان مثال «فیلیپ لانگمن» جمعیت‌شناس آمریکایی در کتابی تحت عنوان گهواره‌های خالی این موضوع را به عنوان معضلی اساسی مطرح می‌کند که از زمان پیروزی انقلاب، تقریباً دوسوم از نرخ باروری کاهش یافته است و تا سال ۲۰۳۰ تعداد افراد سالخورده از کودکان بیشتر می‌شود. نیکولاس ابرشتات از محققان انستیتوی انترپرایز آمریکا کاهش آمار باروری در جهان اسلام را غیرباورپذیر دانسته و آن را معادل ۷۰ درصد دانسته است (همان، ۲۴۳). یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش نرخ جمعیت را می‌توان افزایش سنین ازدواج در کشور دانست جدول زیر بالا رفتن سنین ازدواج از سال‌های پس از انقلاب اسلامی تاکنون را به خوبی نشان می‌دهد (P. McDonald, 2015: 32).



نخبگان سیاسی داخل کشور نیز در سال‌های اخیر بر این امر متفق بوده‌اند که سالخوردگی جمعیت در سال‌های آینده کشور به موضوعی جدی و نگران کننده تبدیل شده است. این امر به اعتقاد بسیاری ترکیب سنی جمعیت کشور را برهم خواهد زد. از آنجایی که میزان و سرعت فرآیند کاهش باروری در ایران با شیب تندتری از سایر کشورها همراه است. در سال‌های اخیر تأکید بسیاری بر افزایش فرزندآوری و تشویق زنان به حضور بیشتر در خانواده و تلاش برای اصلاح تربیت فرزندان شده است. این امر بنا به متفق‌القول بودن نخبگان سیاسی کشور در جریان انقلابی است که همه به ضربه‌های سهمگینی که جریان نفوذ می‌تواند بر جمعیت کشور باقی بگذارد، واقف هستند (امانی، ۱۳۹۸: ۱۴۳). پروژه تحدید نسل از سوی عوامل خارجی در ایران و پیامدهای ناگواری که می‌تواند با خود به همراه داشته باشد، توجه به تهدیدات داخلی و خارجی را برای جهت‌دهی به سیاست‌های جمعیت در اولویت قرار داده است. در این راستا، اگرچه رهبر انقلاب اسلامی بر لزوم فرزندآوری بیشتر تأکید کرده است و نخبگان سیاسی در سطوح مختلف جامعه این امر را تأیید کرده‌اند اما هنوز هم دغدغه اساسی از سوی مسئولین شکل نگرفته و تهدیدات متوجه سیاست‌های کنترل جمعیت در حوزه‌های باروری و زادوولد همچنان متوجه اموری است که هیچ اولییتی برای اصلاح سیاست‌های این حوزه قائل نیستند (Water and Jobs, 2016:43). می‌توان سه مؤلفه اصلی را از اثرات نادیده گرفتن تهدیدات داخلی و خارجی در بحث مبانی جمعیتی برشمرد:



نتیجه‌گیری

از دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با آنکه دغدغه‌های کلی سیستم حکومتی کشور و نخبگان سیاسی درباره تعریف و تعیین مبانی سیاست‌های جمعیتی در مسیر واحد و مشخصی حرکت کرده، دیدگاه‌های ارائه شده از سوی نخبگان سیاسی مربوط به دولت‌های روی کارآمده در دوره‌های مختلف برای اجرای این مبانی، سمت و سوی متفاوتی را در راستای اجرای سیاست‌های جمعیتی دنبال کرده است. توسعه پایدار، کارآمدی نیروی انسانی، مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی اصلی‌ترین مبانی سیاست‌های جمعیتی در ایران پس از انقلاب اسلامی طی سال‌های گذشته است. اتخاذ سیاست‌های کنترل جمعیتی در راستای کاهش جمعیت کشور و آمارهای زادوولد و افزایش حضور زنان در جامعه، از دهه ۷۰ شمسی و در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی به عنوان مهم‌ترین راهکار برای پیاده‌سازی مبانی نام‌برده در سیاست جمعیتی کشور به حساب آمد و تا زمان روی کارآمدن دولت محمود احمدی‌نژاد ادامه پیدا کرد.

در اواسط دهه ۸۰ تأکید عمده سیستم دولتی و نخبگان سیاسی فعال در دستگاه دولت محمود احمدی‌نژاد به نقد سیاست کنترل جمعیتی سال‌های پیشین پرداخته و سعی شد برای اصلاح کمبودها و نواقص موجود در سیاست‌گذاری‌های عمومی جمعیت به نقد شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر پرداخته شود. در تمام سال‌های دهه ۸۰ بر لزوم فرزندآوری بیشتر برای اصلاح سیاست‌های جمعیت تأکید شد. روند شرایط موجود در این زمینه به گونه‌ای پیش رفت که در سال‌های اخیر، زمینه شکل‌گیری پدیده «تحدیدات نسلی» را ایجاد کرده است. این عامل دغدغه و دل‌نگرانی‌های مبتنی بر ارتقای سیاست‌های جمعیتی را در راستای به سرانجام رساندن مبانی اصلی تعریف شده برای این حوزه را بیش از پیش افزایش داده است. ضعف ناشی از تفاوت آرا و عقاید

مسئولان و مقامات اجرایی در دنبال نمودن سیاست‌های جمعیتی به همراه افزایش فشارهای بین‌المللی برای منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران در منطقه و فرمانطقه موجب شده تا به میزان زیادی از به اجرا درآمدن و به ثمر نشستن مبانی تثبیت شده در این حوزه به‌ویژه در بحث توسعه پایدار و کارآمد بودن نیروهای انسانی جلوگیری شود.

تأکید بر نگرش‌های ارائه شده و دیدگاه‌های متفاوت به جای تأکید بر مبانی مطرح شده در سیاست‌های جمعیتی بر مشکلات این حوزه می‌افزاید. به این ترتیب با گذشت زمان نه تنها سیاست و راهکار سازنده‌ای در این باره ارائه نمی‌شود، بلکه توازن و نظم مورد نیاز برای به سرانجام رساندن راهکارهای جمعیتی را با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌کند. روی هم رفته آنچه در این شرایط برای ارتقای جایگاه سیاست‌های جمعیت و تأثیرگذار بودن مبانی جمعیت نامبرده (توسعه پایدار، نیروی انسانی کارآمد، مقابله با تهدیدات خارجی) در ارتقای کیفیت سیاست‌های اجرایی این حوزه اهمیت دارد را می‌توان در قالب چند پیشنهاد اصلی به شرح زیر مطرح کرد:

- لزوم ایجاد تغییر در نگرش‌های درون سازمانی مبنی بر تسریع در دستیابی به اهداف سیاست‌های جمعیتی؛
- تأکید بر اهداف بلندمدت و پروسه محور بودن سیاست‌های جمعیتی به جای پروژه محور بودن و دوره‌ای بودن سیاست‌ها؛
- تثبیت معیارها و مبانی سیاست‌های جمعیتی معین و مشخص در تمام دوره‌ها و ایجاد تغییرات جزئی در زیر زیرمجموعه اهداف بلند مدتی که بنا به مصلحت عمومی کشور و جامعه در نظر گرفته شده است؛
- فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم برای تربیت نیروی انسانی کارآمد و افزایش رضایت ضمنی شهروندان کشور از امکانات اولیه‌ای که برای دستیابی به توسعه برای آن‌ها در نظر گرفته شده است؛
- تلاش برای ایجاد همبستگی و توافق نظر میان نخبگان سیاسی بر سر مصالح و منافع جامعه در سیاست‌های جمعیتی؛
- تقویت تعاملات با کشورهایی که در زمینه اجرای سیاست‌های جمعیتی موفق عمل کرده‌اند؛
- ارائه الگویی کارآمد در راستای افزایش جمعیت کشور متناسب با نیازهای جامعه و منطبق با اصول جمعیتی کشورهای توسعه یافته.

کتابنامه

- احمدی نژاد، محمود (۱۳۸۵). با فرزند کمتر مخالفم، روزنامه اعتماد، ۱ آبان.
- ارجمندسیاه پوش، اسحق (۱۳۹۴). «ارزیابی متغیرهای وضعیت توسعه پایدار شهری در شهر اندیمشک و ارائه مدل متناسب»، مجله توسعه اجتماعی ایران، سال ۸، شماره ۱، صص ۸۳-۶۷.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۷). ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: قومس.
- امانی، مهدی (۱۳۹۸). مبانی جمعیت، تهران: سمت.
- انصاری، محمدمهدی (۱۳۹۱). «بررسی نخبگان سیاسی در تدوین مدل مطلوب سیاست‌ورزی در ج.ا.ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۷۲-۱۵۱.
- پارسونز، واین (۱۳۹۴). مروری بر سیاست‌گذاری عمومی، به کوشش حسن صالح‌نژاد، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- حقدار، علی اصغر (۱۳۸۴). قدرت سیاسی در اندیشه ایرانی، تهران: کویر.
- حقدوست، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۹۳). تحلیل سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری، پژوهشکده آینده پژوهشی در سلامتی، شماره مهرماه.
- دای، تامس و سویل ماکویی (۱۳۸۷). «مدل‌های تحلیل سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۷۴-۴۳.
- زنده‌بیل، سامان (۱۳۹۷). خاستگاه‌های نظری سیاست کنترل جمعیت در ج.ا.ایران و پیامدهای آن بر دورنمای قدرت ملی، پایان‌نامه، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ساعی‌ارسی، ایرج (۱۳۶۳). رشد جمعیت در ایران و نیازهای ناشی از آن، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۷). «گذار جمعیتی دوم با نیم‌نگاهی به ایران»، نامه جمعیت‌شناسی، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۴۰-۱۱۸.
- سلطانی‌پور، فرزانه و بهزاد دماری (۱۳۹۵). «وضعیت توسعه پایدار در ایران»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۱۴، شماره ۴.
- سمیعی‌نسب، مصطفی و مرتضی ترابی (۱۳۸۹). «شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران»، فصلنامه برداشت دوم، سال ۷، شماره ۱۱ و ۱۲.
- شیخی، محمدمتقی (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی جمعیت و تنظیم خانواده، فصلنامه حورا، شماره ۲۴.

طالبزاده، عادل (۱۳۹۵). عوامل بهره‌وری نیروی انسانی در مدیریت سازمانی، تهران: کنفرانس بین‌المللی نخبگان مدیریت.

عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۹۶). تحولات و وضعیت جمعیت در ج.ا.ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

عبدوس، حامد (۱۳۸۹). قدرت نرم و انقلاب رنگی: انقلاب رنگی به مثابه تهدید ج.ا.ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

علی، محمدرولی (۱۳۹۴). «نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۸، شماره ۲۸.

فروتن، یعقوب (۱۳۹۵). جمعیت‌شناسی سیاسی: نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین‌المللی، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

فصاحت، محسن (۱۳۹۲). تحولات جمعیتی ایران، عوامل، پیامدها و راهبردها، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۶). معاونت امور اقتصادی و بودجه تهران، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌المللی.

کلانتری، فتح‌الله و کاظم سام‌دلیری (۱۳۹۸). جمعیت و قدرت ملی در سال ۱۳۹۸، تهران: پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

کلاهی، علی اصغر (۱۳۹۸). «سیاست جمعیتی ج.ا.ایران، مرحله خردورزی»، فصلنامه سلامت اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۱۸-۱۰۸.

مرعشی، ملیحه (۱۳۹۷). «سیاست‌های فراگیر رفاه خانواده در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۸، شماره ۷۰.

میرزایی، محمد و همکاران (۱۳۸۵). گزارش کشوری جمعیت و توسعه در ایران، طرح مشترک انجمن جمعیت‌شناسی ایران با پروژه صندوق در دانشگاه تهران.

Abbasi Shavazi, M.J. (2000). Effect of Marital Fertility and Nupitality on Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran, 1976-1996, Working Papers in Demography.

Azadi, P. Dehghanpour, H. Sohrabi, M. and Madani, K. (2016). The Future of Iran's Oil and Its Economic Implications, Working Paper 1, Stanford Iran 2040 Project, Stanford University, October.

Charles O. Jones (1978). An Introduction to the Study of Public Policy, 2nd, Boston, Duxbury, pp.6.

- P. McDonald, M. M. Hosseini-Chavoshi, M.J. Abbasi-Shavazi, A. Rashidian (2015). An Assessment of Recent Iranian Fertility Trends Using Parity Progression Ratios, Demographic Research, 32.
- Roudi, F. Azadi, P. (2017). Iran's Population Dynamics and Demographic Window of Opportunity, Stanford Iran 2040 Project.
- Water and Jobs (2016). The United Nations World Water Development Report, Paris, UNESCO.